



ابوبکر صیبا

“هنرمند بر پایه پند و اندرز افروزی”

۱۲۸۱ - ۱۳۳۶

* ابوالحسن صبا به سال ۱۲۸۱ در تهران زاده شد. پدر او ابوالقاسم کمال السلطنه فرزند محمدجعفرخان صدرالحکما، فرزند محمودخان صبا (۱۲۲۸-۱۳۱۱ ه.ق) شاعر و نقاش عهدناصری بود و محمودخان صبا فرزند محمدحسین خان عندلیب و نوه فتحعلیخان صبا (۱۱۷۹-۱۲۳۸ ه.ق) ملک الشعراي دربار فتحعلیشاه قاجار بوده است. فتحعلیخان صبا در ایام حیات و شاعری خود شغل حکومت قم و کاشان را نیز داشت.

کمال السلطنه پدر صبا از مردان فاضل و هنر دوست عصر خویش بشمار می رفت. طبیب و ادیبی بود دوستدار موسیقی که سه تار را دلنشین می نواخت و هم او بود که نخستین بار سه تار را به فرزند خودش آموخت. صبا در چنین خاندانی پا به هستی نهاد و برای اسلافش به حق خلفی شایسته بوده است.

صبا خود آنگاه که در قید حیات بود، با فروتنی ترجیح می داد او را فقط یک نوازنده بشناسند، اما هنرش صرفاً "در نوازندگی، آنهم نواختن یک ساز، خلاصه نمی شود. اغلب سازهای ایرانی را به چیره دستی می نواخت و امروز ما او را استاد مسلم سه تار و ویلن می شناسیم. مضافاً که صبا برای ویلن در موسیقی ایران نوازنده ای بود بدعت گزار. صبا علاوه بر نوازندگی، گهگاه آهنگسازی و عمری که بی دریغ در تعلیم و تعلم موسیقی و تحقیق پیرامون آن صرف کرد، در زندگی اش: ادبیات، نقاشی، صنایع مستظرفه، نجوم و پرورش گل، علاقه های دیگر او بودند. در میان هنرمندان موسیقی ایران مردی با چنین تعدد و تنوع دلستگی ها بی مانند بوده است. میل سیری ناپذیری به زیبایی داشت که در این رهگذرها آن را پی جست و یافته هایش اکنون یادگارهای دلپذیری برای ما هستند.

آشنائی او با موسیقی در خردسالی با تعلیم سه تار از پدر آغاز شد، در همان زمان ندیمه عمه اش زنی به اسم ربابه خانم ضرب را به او یاد داد. صبا ضرب را بعدها نزد حاجی خان نوازنده مشهور ضرب تکمیل کرد. در تعلیم سه تار، بعد از مقدماتی که از پدرش فرا گرفت از دو مکتب مهم عصر خویش بهره ور شد. او اصول نواختن سه تار را از میرزا عبدالله (۱۲۲۲-۱۲۹۷) آموخت، میرزا عبدالله نوازنده سه تار، برادر آقا حسینقلی (متوفی ۱۲۹۴) و فرزند آقا علی اکبر فراهانی نوازنده دوره ناصر است، این خانواده از مکتب داران مشهور تار و سه تار در تاریخ موسیقی ایران بوده اند.

صبا پس از کسب فیض از میرزا، نزد غلامحسین درویش (۱۲۵۱-۱۳۰۵) رفت و سه‌تار را در مکتب او به کمال رساند، خصوصیت ضربی سه‌تار صبا نشانی است که از تعلیمات درویش گرفته است.

صبا پیش از آن که با ویلن آشنا شود، کمانچه را از حسین خان اسماعیل زاده (متوفی ۱۳۲۰) تعلیم گرفت، سازی که سبب علاقمندی‌اش به ویلن و آشنائی با او گردید. صبا اعتقاد پیدا کرد که ویلن دارای ساختی به مراتب کاملتر از کمانچه است و نوازنده ایرانی باید بدون هیچگونه تعطیل آن را بدست گیرد. نخستین معلم ویلن او حسین خان هنگ آفرین بود و در سال ۱۳۰۲ که مدرسه عالی موسیقی علینقی وزیرى تاسیس گردید به کلاس درس وزیرى رفت. بنا به گفته روح‌اله خالقی، وزیرى را باید آخرین معلم صبا دانست. (۱) صبا و خالقی از اولین شاگردان کلاس موسیقی وزیرى بودند.

وزیرى در یادداشتهای خود می‌نویسد: "ابوالحسن خان صبا، صنعتی است (مراد او از این کلمه این است که صبا در کار موسیقی دارای استعداد ذاتی است) ویلن خوب خواهد زد، باید با پدرش مذاکره شود تا از این خرافات که ساز بدهاست، خارجشان کنم" (۲). این اشاره وزیرى شاید بدین خاطر است که کمال‌السلطنه پدر صبا اگرچه خود ساز می‌زد و فرزندش را هم به آموختن موسیقی تشویق و ترغیب می‌نمود، اما تحت تاءثیر تعصبات زمانه‌اش، نوازندگی را به عنوان یک حرفه اصلی برای صبا چندان خوشایند نمی‌دانست. نوازندگی، اما کار اصلی صبا شد. او به سبب اقدامات وسیعش در موسیقی خیلی زود اهمیت تعلیمات وزیرى را درک کرد. خالقی می‌نویسد: "در حقیقت ما در این کار (تعلیم موسیقی در کلاس وزیرى) علاوه بر استاد مرهون بهترین شاگردش یعنی صبا بودیم" (۳).

شیوه خاص ویلن صبا، شاید بتوان گفت، در این دوره از زندگی او به کمال و استحکام خود رسید. بدعت او در نوازندگی ویلن، جداسازی شیوه‌نواختن این ساز اروپائی از نواختن کمانچه که یک ساز ایرانی است، در این کلاسها شکل گرفت و مورد تاءیبید وزیرى نیز بود. از طرفی صبا اسلوب نت نویسی وزیرى را با اخلافتی اندک برای آثار خودیا در ثبت و تنظیم ردیف قدما به‌کارگرفت. حضور شاگردی همچون صبا در کلاس درس وزیرى بر اهمیت آن کلاس می‌افزود.

ساز دیگری که با آن آشنائی داشت و به اهتمام او ردیف آن تثبیت و تجلیل شد، سنتور بوده است. او سنتور را از علی اکبر شاملی معروف به "آبدارخانه" آموخته بود. صبا وقتی سنتور حبیب سماعی (۱۲۸۵-۱۳۳۵) را شنید شیفته کار این هنرمند شد، برای حبیب کلاسی ترتیب داد و با او در رادیو نیز همکاری کرد. حبیب سماعی فرزند سماع حضور نوازنده مشهور دوره ناصری بوده است و همکاری صبا با او باعث شد، سنتور که یک ساز متروک ایرانی بود، بار دیگر به کار گرفته شود و نغمات آن به گوش مشتاقان برسد.

صبا عاشق همه سازها بود. یک نفر موسیقیدان ایتالیائی که در زمان حیات صبا با او ملاقات کرده است درباره اش می گوید: "این مرد به تنهایی یک ارکستر کامل است" (۴). شوق بی حدش به آموختن سازها گاه به گاه، سازهای غریب و نا آشنا را درهم دربر می گرفت. درباره بصدا درآوردن این گونه سازها اصطلاح (اهلی کردن) را به کار می برد. هر ساز هر چقدر هم بیگانه و دیر آشنا می نمود، در برابر شوق و سماجت کودکانه چنین نوازنده ای تاب تحمل نمی توانست آورد و سرانجام زیباترین نغمه های نهان خود را بیرون می ریخت.

اهمیت اصلی هنر صبا در نواختن سه تار و ویلن است. صبا در نواختن این دو ساز صاحب سبک است. ظرایف و دقایق کارش را صاحب نظران منحصر بفرد می دانند و امروز کمتر نوازنده ویلن است که از او به نحوی تاءثیر نگرفته باشد. این ساز را آنچنان می نواخت که پیش از او نوازنده ای نواخته بود و بعد از او نوازندگان ویلن از حدود بدعت هایش پافراتر نگذاشته اند. ویلن در زمان ناصرالدین شاه قاجار به ایران آمد، و نوازندگان ایرانی به خاطر شباهتی که با کمانچه داشت، آن را به تقلید کمانچه می نواختند، این امر سبب می شد که ملودی های ایرانی هیچگاه با صدای اصلی و صحیح ویلن به گوش نرسند. صبا این مهم را انجام داد که صدای اصلی ویلن را به نت موسیقی ایران گرفت.

صبا یکی از کاملترین شیوه ها را در نواختن سه تار دارد. مضرابهایش پرداخته، دقیق و بی تکلف است. در طبیعت صدای سه تار حالتی است که این ساز را فقط خلوتی یا محفلی خالی از اغیار می سازد، جوشش عارفانه ای که در آن است گوئی در جمع و بزم فرو می برد. صبا سه تار جز در مقام مخصوص آن بدست نمی گرفت و نواختن او صدای طبیعی این ساز بود. مضرابهای چپ و راست او رابه

لحاظ صحت و ترتیبی که داشت در میان نوازندگان سه‌تار بی‌نظیر دانسته‌اند .
درسه‌تار او کیفیت دیگری هم هست ، کیفیتی که شاید در بیان آن بتوان
گفت آزادی مضربها و نغمه‌های یک درویش دوره‌گرد است که در پنجه استادی
خبره موسیقی مهار شده و به قوت رسیده است .

خاصیت اصلی نوازندگی صبا ، غیر از شناخت همه جانبه او از موسیقی
ایران ، آشنائی با موسیقی غرب ، درک فیض از استادان سابق و هم‌زمانش ،
ریاضت مدام در نوازندگی ، بهره‌وری از سرچشمه‌های موسیقی ایران (موسیقی
فلکلوریک) و تعلیم و تعلم پیوسته موسیقی " روح " نوازندگی او است .

صبا از زمره معدود نوازندگان ایران می‌باشد که ساز آنها " درونی "
بوده است . در صدای ساز او غربت و شادی در یکجا در برابر هم حضور دارند ،
گاهی تعاقب بازیگوشانه یکدیگر و زمانی تحلیل رونده در هم به صورت معجونی ،
هنراو وحدت هوش ربائی است از انسان و ساز ، دل و مقداری ماده که نغمه‌فرا موش
شده‌ای را به یاد آورده‌اند .

صبا مردی بود با ظاهری خوش ، بسیار ساده‌زندگی می‌کرد و با اکثر
شاعران و هنرمندان عصر خود دوستی داشت ، او مدتی در مدرسه عالی امریکائی
تحصیل کرده بود ، کارنامه تحصیلی‌ای از او در دست است که نشان می‌دهد بهترین
نمره‌هایش در مشق خط و زبان عربی گرفته و چندان شاگرد منظم و سربراهی نبوده
است .

در سال ۱۳۵۱ برای همیشه قیل و قال مدرسه را رها کرد و به موسیقی
روی آورد . در تمام عمرش این خوشبختی را داشت که جز به سودای دل خویش
" موسیقی " نپرداخت . در جوانی مدتی در قورخانه کار کرد با وجود حقوق ماهیانه
قابل ملاحظه کار در قورخانه ، این شغل را بدین شرط پذیرفت که آزاد باشد در
هر قسمتی مایل است کار کند ، در آنجا نجاری ، سوهان‌کاری ، و ریخته‌گری آموخت ،
مهارتهائی را که از این طریق بدست آورد بعداً " در آلات و اسباب موسیقی به
کار گرفت .

در سال ۱۳۵۶ از طرف وزیری ماء‌مورشده در رشت مدرسه مخصوص موسیقی
تأسیس کند ، وزارت معارف نیز با این امر موافقت نمود و امتیاز مدرسه صنایع
ظریفه رشت را بنام او صادر کرد . صبا به رشت رفت و مدتی قریب به دو سال در

آنجا همراه با تعلیم موسیقی، در روستاها و کوهپایه‌های شمال به جمع آوری آهنگهای محلی پرداخت. صبا شیفته موسیقی محلی شمال شد و هر چند مدت اقامتش در آن خطه بر اثر بدی آب و هوا بسیار کم بوده است، اما ارمغان با ارزشی از این سفر همراه آورد. دیلمان، زرد ملیجه، کوهستانی و چند قطعه دیگر یادگار همین دوره از زندگی او است.

صبا از سال ۱۳۱۰ در خانه اش کلاس خصوصی موسیقی ترتیب داد، او را به خاطر ایثارش در تعلیم شاگردان بامیرزا عبدالله و آقا حسینقلی مقایسه کرده‌اند. شاگردان او هیچگاه این خصوصیت استاد را فراموش نمی‌کنند. از سال ۱۳۱۸ که رادیو ایران تاسیس گردید، در رادیو نوازندگی می‌کرد و تا پایان عمر در هنرستان ملی به کار تدریس و تحقیق موسیقی اشتغال داشت.

زندگی صبا آن رفاهی را که باعث فراغ بالش در پرداختن کامل به نوازندگی باشد در اختیار او نگذاشت، از سال ۱۳۱۰ به بعد مجبور بود بطور جدی و مداوم به تعلیم موسیقی بپردازد. کار سنگین تعلیم سبب شد که هنر نوازندگی او به آن چنان تعالی که در خورش بود و انتظار می‌رفت، نرسد. خالقی می‌نویسد: "ویلن صبا تا سال ۱۳۱۰ رو به کمال می‌رفت و از آن به بعد در سبکی که برگزیده بود ثابت ماند، زیرا صبا از این پس اوقات خود را مصروف تعلیم شاگردان نمود و مجال بیشتری که تمرین مرتب کند، نیافت. اکنون که ۲۶ سال از آن تاریخ می‌گذرد (زمان نوشته ۱۳۳۶ است) هنوز هیچ یک از تربیت یافتگان صبا یا نوازندگان دیگر روشی بهتر از صبا پیش نگرفته‌اند. بنا بر این افتخار صبا در این است تا روزی که چشم از جهان بر بسته نوازنده ممتاز و استاد یگانه ویلن در موسیقی ایران بود" (۵).

صبا هنرمندی بود بدعت گزار و در همان حال ادامه دهنده سنت‌ها، سنت‌هایی که در زمان او در شرف از یاد رفتن بود، میان معاصران خود شایسته‌ترین هنرمندی بود که می‌توانست این هر دو را به انجام رساند. آثاری که از او باقی است و آنچه که از شخصیت و کارش نقل می‌کنند نشان می‌دهد که انجام این مهم را تا پایان عمر فروتنانه دنبال کرد. ماحصل کار صبا پیوند احترام انگیزی است میان گذشته و حال موسیقی ایران، یادمان او سوای بزرگداشت شخصیت و هنرش، همچنین تذکار ارزش میراث پیشینیان اوست و نیز برای آنها که فی الحال راه این

نوازنده را دنبال می‌کنند .
صبا موسیقی غرب را بخوبی می‌شناخت . بتهون ، بارتک ، کدای ،
پرکونی یف موسیقی دانان دلخواهش بودند . مجسمه‌ای از بتهون همیشه در اتاق
کارش بود . نقل می‌کنند که در برابر یک قطعه موسیقی زیبا بی‌اختیار می‌گریست .
با وجود پرکاری و وسواسی که در کارش داشت مرد ظریفه گو و خوش مشربی بود .
جدی‌ترین آهنگها و مایه‌ها را با شعر خنده داری که می‌ساخت برای دوستانش به
آواز می‌خواند . خط شکسته نستعلیق را سیکو می‌نوشت ، خاصه همیشگی کارش یک
طور گنجی و سر به هوائی مطلوبی در حرکات و گفته‌هایش به جا می‌گذاشت . اما
شطرنج‌باز ماهری هم بود . یک کارگاه کوچک‌نجاری در خانه‌داشت و کارهای دستی
و سازهائی که ساخت حاکی از دقت نظر و حوصله او است .

در جوانی به مدرسه کمال الملک (۱۲۶۴ هـ . ق . ۱۳۱۹ خ) رفت و از
این نقاش معروف تعلیم نقاشی گرفت . چند تابلو رنگ روغن ار او باقی است که
تصویر منظره ، گل ، پرنده و حیوانات است . از نقاشان کلاسیک به رامبراند علاقه
داشت و درباره نقاشی‌های پیکاسو گفته است : " خوبی این کارها این است که آدم از
توی یک تصویر ، تصویرهای دیگری می‌تواند بیرون بکشد " (۶) . صبا علاوه بر اینکه
ادبیات کلاسیک ایران را بخوبی می‌شناخت و بدان عشق می‌ورزید ، از ادبیات
جدید ایران نیز اطلاع داشت . آثار نیمای و هدایت را خوانده بود و با نیما دوستی
نزدیکی داشت ، اغلب این شعر او را زمزمه می‌کرد :

" به کجای این شب تیره " جامع علوم انسانی
" بیاویزم قنای زنده خود را "

در سالهای آخر زندگیش بیماری قلب او را رنج می‌داد و دور از حلقه
مشتاقانی که در جوانی در گرد او بودند در خانه و در خلوت روزگار می‌گذراند .
معاشرت‌هایش محدود بود و بسیار زود رنج و کم حوصله شده بود . بعضی روزها
به یک دکه کفشدوزی نزدیک خانه‌اش می‌رفت ، آنجا می‌نشست ، ساعتها به کار
شاگردان کفاش نگاه می‌کرد و معتقد بود که " اگر سه سال دیگر زنده بماند خواهد
توانست موسیقی ایرانی را به جایی برساند که دیگر نگران نمیرد " (۷) . مرگ
صبا در شب جمعه بیست و نهم آذرماه ۱۳۳۶ اتفاق افتاد .

آثار صبا

* آثار صبا را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول شامل اجراهای ویلن، سه‌تار و تار او است که اغلب به صورت نوار یا صفحه در دست می‌باشد. دسته دوم شامل تصنیف‌ها، آهنگهای گرد آوری شده محلی و آثار تئوریک است. صبا کتابی تحقیقی درباره شناسائی سازهای ایرانی و تاریخچه آنها نیز تألیف کرده است. دسته دوم آثار صبا با استفاده از فهرست مفصل حسینعلی ملاح که در مجله موسیقی (شماره مخصوص صبا - بهمن ۱۳۳۶) مندرج است، در اینجا بطور خلاصه ذکر می‌شود:

۱ - کتاب دوره اول ویلن لا

۲ - کتاب دوره دوم ویلن .

۳ - کتاب دوره سوم ویلن .

۴ - کتاب دوره اول سنتور .

۵ - کتاب دوره دوم سنتور .

۶ - کتاب دوره سوم سنتور .

۷ - کتاب دوره چهارم سنتور .

۸ - کتاب دوره اول سه‌تار .

آثار غیر مستقل

۶ - " سلو " صفحه‌ای وطن / ص ۷۶ ، کتاب دستور ویلن وزیری ج اول و ج دوم .

۷ - " سلو " / ص ۷۸ ، کتاب دستور ویلن وزیری ، ج اول و ج دوم .

۸ - چهارمضراب سه‌گانه / ص ۲۴۸ ، کتاب دستور ویلن وزیری، ج اول و ج دوم .

۹ - رنگ بیات ترک / ص ۶ ، کتاب بیست و پنج قطعه ضربی .

۱۰ - پیش درآمد ترک / ص ۸ ، کتاب هیجده قطعه پیش درآمد .

۱۱ - نویدبهار / ص ۱۴ ، کتاب اول ویلن (از انتشارات هنرستان موسیقی ملی) .

۱۲ - چهارمضراب ساده در ماهور / ص ۱۷ ، کتاب اول ویلن (از انتشارات هنرستان موسیقی ملی) .

۱۳ - آهنگی در سل کوچک / ص ۱۱ ، کتاب اول ویلن (از انتشارات هنرستان موسیقی ملی) .

۱۴ - مقدمه زرد ملیجه / ص ۱۸ ، کتاب دستور مقدماتی تار و سه تار (از انتشارات هنرستان موسیقی ملی) .

و همچنین :

- ۱ - دستور ضرب .
- ۲ - دستور سه تار .
- ۳ - ردیف کامل آوازهای ایرانی .

آثار صبا ملهم از موسیقی محلی :

- ۱ - دیلمان (دشتی)
- ۲ - امیری یا مازندرانی (دشتی)
- ۳ - زرد ملیجه (دشتی)
- ۴ - به زندان (شوشتری)
- ۵ - در قفس (دشتی)
- ۶ - رقص چوبی (افشاری)
- ۷ - کوهستانی (دشتی)

تصنیف ها :

- ۱ - نغمه ضربی (دشتی) با این شعر وحشی بافقی :
" روزگاری من ودل ساکن کوئی بودیم " مطالعات فرهنگی
 - ۲ - نغمه ضربی (سه گاه) با شعری از شیخ بهائی :
" زلف و کاکل او را چون به پادمی آورم " ریاضت علمی
 - ۳ - نغمه ضربی (همایون) با شعر مولانا :
" کسی نیست ، چنین عاشق بیچاره که مائیم " .
 - ۴ - نغمه ضربی " چهارگاه " با شعر عراقی
 - ۵ - نغمه ضربی روی مخمس صفی علیشاه .
- (از بروشور " خانه صبا " - اداره کل موزه ها - آبانماه ۱۳۵۳)

منابع این شرح حال کوتاه یادداشتها، خاطرات و مقالاتی بوده است که دوستان، همکاران و خانواده صبا درباره شخصیت و کار او نوشته یا نقل کرده اند، نقل قولها از این منابع است:

۱- روح‌الخالقی "ابولحسن صبا" مجله موسیقی دوره سوم (دی ۱۳۳۶)، ۱۰۰.

۲- حسینعلی ملاح "صبا و آثار او" مجله موسیقی، دوره سوم (بهمن ۱۳۳۶)، ۸۶-۸۷.

۳- روح‌الخالقی "تاثیر وزیری در صبا" مجله موسیقی، دوره سوم (بهمن ۱۳۳۶)، ۱۷۰-۲۶.

۴- منتخب صبا "خاطرات" تهران مصور شماره ۱۵۰۷، (۱۳۵۱)، ۳۸۰.

۶- ژاله صبا "خاطره‌ای از پدرم صبا" مجله موسیقی، دوره سوم (بهمن ۱۳۳۶)، ۱۲۰-۱۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی